

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان
محمد آسگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

www.iskraa.org

ایسکرا

۲۸۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ آذر ۱۳۸۴، ۷ دسامبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان



حمید تقوایی

پرچم سفید در برابر پرزیدنت طالبانی!

ریبوار احمد در آغاز راهی که دو خرداد به پایان رساند

دیگری اعلام آتش بس یکطرفه کرده است! اما برای کسی که از سیر تحولات چند ساله اخیر در کردستان عراق و موقعیت حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه میهنی در این تحولات اندک اطلاعی داشته باشد این صفحه ۳

باشد، به سیاست جنگ طلبانه و مانع تراشی در برابر فعالیت ما پایان دهد و برخورد درستی با این سیاست ما بکند! بیانیه به خواننده این تصویر را میدهد که گویا دو نیروی غیر دولتی درگیر یک کشمکش و جنگ نظامی با یکدیگر بوده اند و حالایکی از این نیروها بخاطر احساس مسئولیت و "گسترش" فضای سیاسی در کردستان" به

اخیرا ریبوار احمد رهبر حزب "کمونیست کارگری" عراق با انتشار بیانیه ای تحت عنوان " دربارہ کشمکش بین حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه میهنی کردستان" اعلام نمود که رسماً و بطور یکجانبه به این کشمکش و درگیری با اتحادیه میهنی خاتمه میدهد و از اتحادیه میهنی میخواهد که "به آزادی سیاسی پایبند

پیام آذر ماجدی بمناسبت ۱۶ آذر

مردم!



آذر ماجدی

۱۶ آذر در پیش است. طی سال های اخیر ۱۶ آذر به روز اعتراض عمومی مردم به اختناق و سرکوب و تبعیض و فقر بدل شده است. ۱۶ آذر دیگر صرفاً روز دانشجو و روز تجمع دانشجویی نیست. سال پیش ۱۶ آذر جلوه مهمی از جنبش آزادیخواهی مردم را به نمایش گذاشت. آزادی و برابری بعنوان يك شعار و خواست مهم در این روز اعلام شد. جنبش آزادی زن نیز در این روز تجلی یافت. آزادی زنان آزادی همگان

صفحه ۲

یک دقیقه سکوت!
یک دقیقه بی حجاب!
بیاد سه دختر دانشجوی
جانباخته

در صفحات دیگر

۱۶ آذر: فرصت پیشروی!

صفحه ۲

نسرین رضانعلی

کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی
و برای لغو محکومیت
فعالین اول ماه مه سقر

صفحه ۵

حسن صالحی

"No To Political Islam"
برنامه ای از کانال جدید

صفحه ۴

پویا ابراهیم آبادی
در بازداشتگاه
کشته شد

صفحه ۴

قباحث یک "روشنفکر" ناسیونالیست

متمن نیست. آنهایی که به هر دلیلی به اروپا آمده و در دانشگاههای پیشرفته این جوامع هم تحصیل کرده اند به نسل‌زوی ملت خود گرفتار شده اند. سیر تحولات فکری و رشد علم و تکنولوژی بشر مدرن این صنف را وادار نمیکند که رو به جلو و در نقد فرهنگ عقب مانده و شناخت بشر امروز تلاشی کنند. برعکس، منافع مادی و زمینی، آنها را وادار به تلاشی ضد تاریخی میکنند که علم و شناخت بشر مدرن امروز

صفحه ۴

حقانیتی برای ناسیونالیسم کرد و احزاب این جنبش بتراشد. برای رسیدن به اهداف خود شونیسم را بد اما ناسیونالیسم را دارای بار مثبت و حقانیتی علمی توصیف کرده است. البته از همین سوراخ ناسیونالیستهای ایرانی میتوانند نفس راحتی بکشند و بگویند شونیست نیستند اما ناسیونالیست بودن آنها گویا بار مثبتی دارد مایه افتخارشان است.

دلیل عقبگرد و خمود فکری "روشنفکران" جهان سومی تنها دوری آنها از تحولات فکری جهان



محمد آسگران

اخیراً يك "روشنفکر" ناسیونالیست کرد به اسم امین آوه به توجیه مقوله ناسیونالیسم پرداخته است، تا از این راه بتواند

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام آذر ماجدی بمناسبت ۱۶ آذر

از صفحه ۱

است" و پوستری که به روشنی حجاب را زندان زنان تصویر میکند بعنوان لحظاتی مهم و بعنوان مشخصه ۱۶ آذر به ثبت رسید. باید این سنت را تداوم و گسترش دهیم. باید روز ۱۶ آذر را بعنوان روز آزادی و برابری به ثبت برسانیم. روزی که مردم محیط دانشگاه را بعنوان محل اعتراض خود برمیگزینند. روزی که نسل جوان پیشتاز جنبش عمومی مردم برای آزادی و برابری میشود. در ۱۶ آذر باید با صدایی رسا انزجار خود را از وضع موجود، از استبداد مذهبی، از اختناق و سرکوب، از فقر و فلاکت، از بیحقوقی و تبعیض و از ستمکشی زن و زن ستیزی اعلام کنیم.

زن و دختران آزادیخواه!

ما باید از هر فرصتی برای اعلام انزجار خود از این نظم که ما را نیمه انسان، و شهروند درجه ۳ میدان، استفاده کنیم. از هر فرصتی برای اعلام "ستم بر زن موقوفاً" "خشونت علیه زنان موقوفاً" استفاده کنیم. مبارزه ما با زن ستیزی و مردسالاری مبارزه ای دائمی و همیشگی است، ولی در چنین فرصت هایی باید به میدان بیاییم و با صدای رسا و بطور جمعی خواست ها و امیال خود را اعلام کنیم. مبارزه ما برای آزادی و برابری در چنین روزی باید جلوه ای عظیم از قدرت را به نمایش بگذارد. نه به

حجاب اسلامی! نه به آپارتاید جنسی! زنده باد آزادی زن! باید در همه جا انعکاس و پژواک داشته باشد. باید با قدرت تمام در این روز به صحنه بیاییم و حقوق برابر و آزادی بی قید و شرط خود را طلب کنیم. جامعه ای که زنان آن در بند اند، جامعه ای در بند است.

در این روز باید همچنین یاد سه یار و خواهر عزیز خود را گرامی بداریم. سه دختر دانشجوی ای که توسط حزب الله و ارازل و اوپاش قداره بند دولت با آتش و تیغ و در کمال قساوت و خشونت به قتل رسیدند. آزاده وظیفه دوست و دو یار دیگرش در جیرفت و شاهرود بدست حزب الله قمه زن چاقوکش کشته

شدند، تا به خیال خودشان به زنان و دختران درس خوبی داده باشند. تا زنان را سر جای شان بنشانند، تا حجاب سیاه را بر سر زنان و جامعه بکشند. باید به این ارازل و اوپاش قمه بند نشان دهیم که دیگر عمرشان سپری شده است، دیگر در مقابلشان با تمام قوا خواهیم ایستاد، که حجاب را همراه با تمام مظاهر دولت مذهبی به دور خواهیم انداخت. نشان خواهیم داد که زنان ایران، بویژه نسل جوان آن با تمام قوا در مقابل زن ستیزی و مردسالاری ایستادگی خواهد کرد و جنبش آزادی زن را بر روی ویرانه های دولت اسلامی به پیروزی خواهد رساند.

زنده باد آزادی زن!

نه به حجاب اسلامی!

نه به آپارتاید جنسی!

آذر ماجدی
رئیس سازمان آزادی زن
۱۳۸۴ آذر ۲۸

۱۶ آذر: فرصت پیشروی!

اعتراضی در میان دانشجویان است که علاوه بر رادیکال و ضد رژیم بودنش درجه بالایی از آماده گی جنبش دانشجویی چه به لحاظ سازمانی و چه به لحاظ سیاسی می باشد. اینها را باید به فال نیک گرفت و با همه اینها به استقبال ۱۶ آذر رفت. اما نکته ای که من میخواهم بویژه در مورد آن بگویم مربوط به شهرهای کردستان است.

در شهرهای کردستان هم دانشجویان به پای برپایی مراسم های ۱۶ آذر می روند. این تلاش ها مشهود تر از هر سال است. بنابر ویژه گی های که در کردستان و در رابطه مردم با حکومت حاکم می باشد برگزار هر چه با شکوهتر این روز از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد.

در کردستان اعتراض و مبارزه بر علیه رژیم امر هرروزه و جا افتاده ای است. یک نگاه گذرا به وقایع و رویدادهای دو ماهه اخیر در کردستان نشان می دهد که جامعه در چه انتهای قرار دارد. مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم قدم ها به جلو رفته است. مبارزات کارگری و بویژه مبارزات کارگران نساجی و موج همبستگی که در حمایت از این مبارزات به راه افتاد و در نهایت پیروزی کارگران روحیه کارگران مردم را بالا برده است. اعتراضات

حدودی هم نقش بازی نمایند. با توجه به همه این شواهد باید ۱۶ آذر را هر چه گسترده تر و وسیع تر برگزار کرد. بدون شک برگزاری این روز و تبدیل این روز به یک سنت جاافتاده در جنبش سرنگونی مردم و تلاش برای ابراز وجود اجتماعی و سیاسی جنبش دانشجویی در این روز بسیار تعیین کننده می باشد. این روز اعتراض و روز نه گفتن به کلیت جمهوری اسلامی و روز ابراز وجود علنی این جنبش می باشد. در این روز باید کل رژیم و دار و دسته های رنگارنگ

وایسته به رژیم که سعی داشته و دارند این روز را بی خطر و در آرامش برگزار نمایند دور زد. باید دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در کردستان را تبدیل به یکپارچه اعتراض و مبارزه بر علیه رژیم کرد. باید با برگزاری هر وسیع تر و گسترده تر این روز فریاد آزادیخواهی و نه بزرگ مردم را با صدای رسا تر در کوی و بزرز ندا داد. باید نشان داد که جنبش دانشجویی در کردستان رهبران و سازماندهندگان و فعالین این جنبش مرعوب تهدیدات و عریبه کشی های رژیم و دار و دسته های حکومتی نخواهد شد و پا به پای کل جنبش دانشجویی در سراسر کشور به استقبال این روز خواهد رفت.

طرح شعارها و مطالبات محوری این روز و کوبیدن روی خواسته های سیاسی و مطالبات جنبش دانشجویی از قبیل آزادی برابری، آزادی زندانیان سیاسی، علیه آپارتاید جنسی و لغو حجاب اجباری و ممنوعیت طرح جداسازی در دانشگاهها تاکید دیگری بر این مسئله است که جنبش دانشجویی چپ رادیکال و سرنگونی طلب بوده و پا به پای کل اقشار مردم و در تقویت جنبش سرنگونی اینستار قدرتمندتر از سالهای پیش به میدان آمده است.

۱۶ آذر امسال می تواند تبدیل به یک نقطه عطف بزرگ برای کل مبارزه مردم بر علیه جمهوری اسلامی بشود. در شهرهای کردستان ۱۶ آذر امسال میتواند حتی نقش مهمتری ایفا کند و قدم های بزرگی به جلو برای جنبش دانشجویی باشد. قطعاً همه چیز به درجه بالای سازماندهی و آماده گی ما بستگی دارد. و ما در جریان مبارزات کارگران شاهی و همبستگی دانشجویان ثابت کردیم و نشان دادیم که آمادگی بیشتری بدست آورده ایم. پس به امید برگزاری یک ۱۶ آذر سرخ.

* * *



نسرین رمضانلی

پرچم سفید در برابر پرزیدنت طالبانی!

تصویر سازی تماماً جعلی و بی پایه است. نه اتحادیه میهنی در چند سال اخیر يك نیروی اپوزیسیون و غیر دولتی بوده است و نه در هیچ مقطعی اصولاً جنگ و کشمکش نظامی ای بین این دو نیرو جریان داشته است. جنگ ناموجود را نمیتوان خاتمه داد! حزب ریبوار هیچ زمان به اتحادیه میهنی اعلام جنگ نکرده بود که حالا بخواد آتش بس اعلام کند! اگر چیزی پایان گرفته است نه مبارزه نظامی با يك حزب اپوزیسیون بلکه مبارزه سیاسی علیه دولت حاکم است. دوستان سابق ما خوب میدانند چه میگویند. زبان پر طمطراق "آتش بس یکطرفه" و "پایان دادن به فضای جنگی" و "احساس مسئولیت" و غیره به کار گرفته شده تا حقارت و رقت انگیزی يك موضع سازشکارانه سیاسی پوشیده بماند. مساله به سادگی اینست که حزب ریبوار عملاً و رسماً دارد به دولت سر هم بندی شده در کردستان عراق و دولت مرکزی در خود عراق که اتحادیه میهنی يك نیروی اصلی و محوری در هر دو آنهاست، اعلام میکند که میخواهد يك اپوزیسیون مودب و سربراه آنها باشد. میخواهد از نقد و افشای دولت دست ساز قومی مذهبی در عراق و در کردستان عراق دست بکشد و در يك "فضای سیاسی آرام" فعالیت کند. بیانیه میگوید اگر اتحادیه میهنی این آتش بس را نپذیرد "مسئولیت ادامه پیدا کردن این فضا تماماً بر دوش اتحادیه میهنی قرار میگیرد". و این بروشنی یعنی اینکه تا امروز این مسئولیت تماماً بعهد اتحادیه میهنی نبوده است، به زبان بی زبانی یعنی اینکه ح.ک.ک.ع. هم با افراطی

گریها و رادیکالیسم اش مسئول بوده است. (رادیکالیسمی که امروز دیگر نه در حزب ریبوار بلکه در حزب کمونیست کارگری چپ عراق نمایندگی میشود). با این بیانیه ح.ک.ک.ع. در واقع قول میدهد در يك "فضای آرام سیاسی" فعالیت کند و از اتحادیه میهنی میخواهد که این تغییر در سیاست را بحساب بیاورد و به او اجازه این فعالیت را بدهد.

آیا این سناریوی آشنائی نیست؟ دو خردادهای عراق دارند به دولت سناریوی سیاهی در کردستان عراق اعلام تعهد میکنند که از نافرمانی مدنی فراتر نخواهند رفت. دارند به جبهه مشارکت نامه سرگشاده مینویسند و به پرزیدنت طالبانی، خاتمی عراق آتش بس سیاسی میدهند! این تمام معنی و مضمون سیاسی بیانیه است که ناشیانه در پوشش آتش بس یکطرفه پیچیده و بیان شده است.

بیانیه اینطور شروع میشود که "سال ۲۰۰۰ با پیش آمدن برخی اختلافات و کشمکش های سیاسی بین ح.ک.ک.ع. و اتحادیه میهنی، بعد از چندماه بهانه گیری و مانع تراشی سیاسی، بالاخره روز ۱۴ مرداد بعد از مذاکراتی که بین هیئت دوطرف برای برطرف کردن مشکلات روی داده بود اتحادیه میهنی مسلحانه به ح.ک.ک.ع. حمله کرد. و بدین صورت اتحادیه میهنی اختلافات سیاسی را به میدان جنگ و مقابله مسلحانه با ما کشاند. درمدت ۵ سال و چند ماه گذشته بخاطر کوتاه نیامدن اتحادیه میهنی از مواضع جنگ طلبانه و سرکوبگرانه در مقابل

حزب ما و با زیر پا گذاشتن آزادهای سیاسی، تا کنون این اصطکاکها و تشنجهای همچنان بین ما ادامه داشته است."

براستی رقت آور است. در سال ۲۰۰۰ دولت دست ساز ناسیونالیسم کرد که زیر چتر نظامی آمریکا و متحدینش پس از جنگ اول خلیج در کردستان عراق بقدرت رسیده بود به مقرهای حزب کمونیست کارگری عراق حمله میکند و از آن زمان تا امروز این سرکوبگری و اعمال فشار پلیسی و سیاسی ادامه دارد. امروز در مقابل این وضعیت دوستان مسالمت جوی ما به این نتیجه رسیده اند که بیانیه بدهند و از نظامی کردن اختلافات سیاسی و کوتاه نیامدن اتحادیه میهنی از مواضع جنگ طلبانه گلایه کنند! ظاهراً مساله بر سر "برخی اختلافات و کشمکشهای سیاسی" است که میتوانسته با مذاکره حل و فصل شود و اتحادیه میهنی بخاطر جنگ افروزی و بیدریستی سیاسی اش از حل مسالمت آمیز این اختلافات خودداری کرده است!

دولت پادروهای طالبانی - بارزانی در کردستان عراق از مقطعی که روی کار آمد تا امروز نماینده و جرثومه تمام عیار ارتجاع مذهبی - ناسیونالیستی بوده است و ح.ک.ک.ع. تا زمانی که از کمونیسم کارگری دست نشسته بود منتقد و افشاگر پیگیر فجایعی بود که سیاستهای ملی-مذهبی دولت جدید علیه کارگران و زحمتکشان و بویژه زنان در کردستان اعمال میکرد. و بهمین دلیل فعالین ح.ک.ک.ع. تحت انواع فشارها و

محدودیتها قرار داشتند. این شمه ای از مضمون "برخی اختلافات و کشمکشها" است که ظاهراً میتوانسته به شیوه مسالمت آمیز حل و فصل شود و اتحادیه میهنی اجازه نداده است!

بیانیه امروز ریبوار در واقع اعلام کوتاه آمدن از سیاستهای رادیکال دیروز است. اتحادیه میهنی همان نیروی ارتجاعی است که همیشه بوده است، این حزب کمونیست کارگری عراق است که عوض شده است. عاقل و سربراه و مسالمت جو و نافرمانی مدنی چی و اپوزیسیون دو خردادی شده است. بیانیه کذائی ریبوار اعلام رسمی این چرخش فاحش از چپ به راست است. آتش بس و ختم یکطرفه کشمکش و فضای نظامی و تعهد به ایجاد فضای آرام سیاسی و غیره و غیره که بیانیه مشحون از آنست همه اینها به زبان صریح سیاسی یعنی دست شستن از سیاست انتقادی نسبت به ناسیونالیسم کرد، و سازش با اتحادیه میهنی و دولت کذائی اش در کردستان! بیانیه در واقع اعلام میکند که ح.ک.ک.ع. کوتاه آمده است و حالا نوبت اتحادیه میهنی است که کوتاه بیاید.

جنگ ح.ک.ک.ع. با اتحادیه میهنی آن زمان که این حزب هنوز به کمونیسم کارگری وفادار بود چیزی بجز نقد و افشاگری از سیاستهای ضد مردمی دولت اتحادیه میهنی در کردستان عراق نبود. امروز این سیاستهای ارتجاعی اتحادیه میهنی نه تنها تخفیفی نیافته و تغییری پیدا نکرده بلکه پس از جنگ دوم عراق و به ریاست جمهوری رسیدن جلال

طالبانی در دولت دست ساز و مافوق ارتجاعی فعلی عراق، شدت و گستردگی بمراتب بیشتری یافته است. اگر حزب ریبوار از خط کمونیسم کارگری و منصور حکمت خارج نمیشد قاعدتاً امروز میباید بر شدت نقد و افشاگری از ناسیونالیسم کرد و مقابله با دولت مرکزی و محلی که این ناسیونالیسم يك جزء اصلی تشکیل دهنده آنست میافزود. اما مساله اینست که بخش بخش اعظم ح.ک.ک.ع. بدنال جدا شدن خط راست از حزب ما، از منصور حکمت انشعاب کرد. و پرچم کمونیسم کارگری تماماً در دست حزب کمونیست کارگری چپ عراق قرار گرفت. بیانیه اخیر اوج راست رویهای دوران پس از انشعاب حزب ریبوار و سند دیگری بر حقانیت حزب کمونیست کارگری چپ عراق است. بیانیه سازش با اتحادیه میهنی در واقع نتیجه منطقی و اجتناب ناپذیر خط راستی است که ریبوار احمد و رهبری حزب ح.ک.ک.ع. به پیروی از سیاستهای راست کوروش مدرسی در پیش گرفت.

امروز ریبوار احمد در آغاز راهی قرار گرفته است که اپوزیسیون در خردادی در ایران پایان رساند. در این شرایط بموازات مقابله با دولت قومی مذهبی دست ساز آمریکا در عراق و در کردستان عراق، وظیفه افشاگری و نقد پیگیر اپوزیسیون نوع دو خردادی این دولت نیز تماماً بعهد حزب کمونیست کارگری چپ عراق قرار میگیرد.

برنامه ای از کانال جدید

برنامه No to Political Islam برنامه ای از آذر ماجدی به زبان انگلیسی از کانال جدید روزهای دوشنبه ۸ تا ۹ شب و پنجشنبه ساعت ۲ نیم تا ۳ و نیم بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی پخش میشود.

در این برنامه آذر ماجدی از طریق مصاحبه، جدل و گزارش مسائل مربوط به اسلام سیاسی، بحران خاورمیانه، سکولاریسم، تروریسم اسلامی و حقوق زن را مورد بحث و بررسی قرار میدهد.

توجه شما را به دین این برنامه جلب میکنیم. پیشنهادات و سوالات خود را برای آذر ماجدی ارسال کنید. این برنامه را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

ای میل: azrmajedi@yahoo.com
فکس: ۲۷۲۲ ۲۷۴ ۲۲۳ ۱+
تلفن: ۲۷۱۸ ۲۷۴ ۲۲۳ ۱+
این برنامه را از طریق اینترنت نیز میتوانید مشاهده کنید.
www.newchannel.tv

"No To Political Islam"

مشخصات ماهواره
تله استار ۱۲
فرکانس ۱۲۶۰۸
سیمبل ریت ۱۹۲۷۹
اف ای سی
پلاریزاسیون افقی
روابط عمومی کانال جدید

قباحت یک "روشنفکر" ناسیونالیست

را ضد علم و مقولات ضد علمی و فرهنگ عشایر و قبایل و ملیگرایی را عین علم معرفی کنند.

منابع و استدلال "علمی" این دسته از روشنفکران عقب مانده که خود نیز قربانی همین تفکر هستند، با علم و تفکر اثبات شده بشر امروزی متفاوت و متضاد است، متر و معیار و شناختشان به شناخت بشر در اعصار گذشته تعلق دارد. انگار این ماموتها را از قرنهای قبل در فریز گذاشته اند و اکنون بیدارشان کرده اند که تقاضا شناخت علمی و پیشرفت را از انسان امروز بگیرند. شناخت از پدیده های تاریخی که برای مردمان این قرن بدهی و پذیرفته شده برای این صنف عقب مانده غیر قابل استناد و باور است. گویی کاشفان چاه جمران و نور غیبی دور سر آقای احمدی نژاد را هم باید مردم به عنوان پدیده های علمی ببینند. اینها به منتسکو، فوریخ و هگل و مارکس و ... مراجعه نمیکنند. مرجع قابل باورشان شیخ محمود و بارزانی و قاضی محمد و طالبانی و خمینی و بن لادن است.

این ناسیونالیست کرد که لقب دکتر را به اول اسمش اضافه کرده است، چنان پیدا است که قبل از تلاش برای شناخت علمی دنیا، عاشق لقب خود شده است. در مورد تعریف ناسیونالیسم و در دفاع از ناسیونالیسم کرد احکامی را بیان کرده است، تو گویی شیخ محمود رهبر عشایر قدیم کردستان و یا امثال سمکو و قاضی محمد و بارزانی سر ساز قبر بیرون آورده اند و احکام ضد تاریخی زمان خود را در دفاع از قبیله و ناسیون خود باز خوانی میکنند.

اگر در یک مرکز علمی و پژوهشی با استاندارد متوسط هم در جوامع امروزی کسی تزی ارایه دهد که جامعه را نه بر مبنای جایگاه اقتصادی طبقات، بلکه بر مبنای ناسیون ها و مذاهب مختلف تقسیم بندی کند علنرش را میخواهند و در بهترین حالت محترمانه در خروجی را به او نشان میدهند. البته رهبران این چنین افرادی را روانه

مراکز پخش خرافاتی شبیه حوزه های علمیه قم و یا به تفاسیر میرزا بنویسهای کردستان در مورد سمکو و قاضی محمد و بارزانی حواله میدهند.

اما در دنیایی مالیخولیای جریانات قوم پرست ظاهرا نه علم و نه فرهنگ انسانی و نه طبقات نباید مبنا تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. به قول حزب دمکرات کردستان ایران، "جامعه کردستان سرمایه دار و کارگر ندارد، همه مردم خلق کرد هستند". اینها احمق نیستند. این تظاهر به حماقت است. میدانند به این ترتیب باید به چشم مردم خاک بپاشند. ۲۵ سال قبل قاسملو در جزوه خود نوشت سوسیالیسم برای کردستان زود است. در همان جزوه نوشت بعد از ۲۵ سال حزب دمکرات در این جهت قدم بر میدارد. اکنون بعد از ۲۵ سال حزب دمکرات کردستان ایران به این نتیجه رسیده است باید از بوش تقاضای دخالت در ایران کند و پیام تبریک برای او میفرستد و دلایلی اعطایی آمریکا را با حسرت می شمارند.

همین حزب دمکرات اکنون چرتکه میندازد که آمریکا دلار بیشتری به آقای مهدی از سازمان زحمتکشان اعطا کرده است یا به حزب دمکرات. البته سازمان زحمتکشان از طریق آقای طالبانی کمی کمتر از حزب دمکرات دلار عایدش شده است. هنوز خواسته های آمریکا برای تشکیل جبهه کردها و ملیتهای مختلف عملی نشده است، که آنها سر کیسه را شکل کنند. گلایه حزب دمکرات از آمریکا این است که چرا سازمان زحمتکشان را شریک این پروژه قرار داده است. سازمان زحمتکشان هم فکر میکند که سرش نباید بی کلاه بماند علم کردن بهادین ادب از جانب حزب دمکرات را رقیب خود میداند و تلاش میکند بجای رقابت با حزب دمکرات آنها را قانع به همکاری کند که جبهه خلق کرد و بنا به خواست آمریکا جبهه خلقهای ایران را در مقابل حزب دمکرات قرار دهد. این سیاست برای سازمان

حاکمیت خود را توجیه و عملی کنند.

برای نسل جوان کافی است که تاریخ توجیهات حاکمان و سلسله های پادشاهان و مذاهب را نگاه کند. دو عنصر اصلی و پایدار در تمام دورانی حاکمیت آنها اتکا به مذهب و ملیت بوده است، که بتوانند منافع مادی و طبقاتی خود را توجیه کنند. هیتلر مادرزاد فاشیست نبود، شاهان ایران و صدام حسین و خمینی هم همینطور. همه آنها در توجیه منافع مادی و زمینشان دست به انبانی برده اند که امثال آقای بوش، طالبانی، بارزانی، جعفری، احمدی نژاد، ملاعمر و بن لادن هم همان کار را میکنند. کسانی مثل سروش، حجازیان و امین آوه و ... هم از همین توره مصرف میکنند. تنها تفاوت در موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها است.

لقب دکتری و مهندسی که امروزه در میان احزاب عشیرتی و فرهنگ عقب مانده جای لقب "ماموستا" را گرفته است کارت ورود به زرتخانه افکار ضد تاریخی و ضد علمی شده است. گویا این القاب کارت اعتبار پخش هر حکم ضد علمی و ضد تاریخی را علمی جلوه میدهد.

اما این تحصیلکردگان فرنگ در جستجوی "علم" و استدلالی هستند که موقعیت مادی و زمینی جریانات مورد پسندشان را توجیه کنند. آنچه علمی قلمداد میشود نیاز و موقعیت فعلی جریانات ناسیونالیستی است که باید توجیه گردد. همین موقعیتی که در کردستان عراق طالبانی و بارزانی پیشقراول آن شده اند، این قلم بدستان "محترم" باید آنرا برای حزب دمکرات، بهادین ادب و سازمان زحمتکشان... توجیه کنند.

این استدلال که گویا مردم باید بر مبنای ناسیونها و ملیتها و اقوام و مذاهب مختلف مورد مطالعه قرار گیرند و سهمشان از دنیای موجود بر این اساس تعیین شود، تنها از بیماری افکار بیان کننده آن ناشی نمیکردد. اسلام سیاسی خود پدیده ای است که بر اساس همین استدلال در دنیای امروز سهم خواهیش را میخواهد به جوامع امروزی تحمیل کند. داستان عکس امام در ماه، خر دجال و چاه جمران و حکم امام زمان در تایید احمدی نژاد و مجلس و وحوش اسلامی و نور سبز دور سر احمدی نژاد در سازمان ملل و ... همگی از این نیاز مادی و زمینی سر چشمه گرفته است.

حال که نوبت به ناسیونالیسم اقوام و ملیتهای مختلف میرسد، روشنفکران نشان میگیرند چرا آنها از این تحمیت استفاده نکنند. طبقات حاکم تاریخاً حامل این افکار بوده و سعی کرده اند که بر این مبنا حاکمیت خود را توجیه و عملی کنند. برای نسل جوان کافی است که تاریخ توجیهات حاکمان و سلسله های پادشاهان و مذاهب را نگاه کند. دو عنصر اصلی و پایدار در تمام دورانی حاکمیت آنها اتکا به مذهب و ملیت بوده است، که بتوانند منافع مادی و طبقاتی خود را توجیه کنند. هیتلر مادرزاد فاشیست نبود، شاهان ایران و صدام حسین و خمینی هم همینطور. همه آنها در توجیه منافع مادی و زمینشان دست به انبانی برده اند که امثال آقای بوش، طالبانی، بارزانی، جعفری، احمدی نژاد، ملاعمر و بن لادن هم همان کار را میکنند. کسانی مثل سروش، حجازیان و امین آوه و ... هم از همین توره مصرف میکنند. تنها تفاوت در موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها است.

هنگامی که استالین به قتل عام کمونیستها دست برد برای جواب گویی به یک نیاز مادی و حاکمیت ناسیونالیسم روس در تقابل با اهداف انقلاب اکتبر بود. همچنانکه رضا شاه در تقابل با عشایر و خوانین و سیستم ملوک الطوایفی دوران خودش به ناسیونالیسم ایرانی اتکا کرد. پسر رضا شاه هم خود را کمر بسته حضرت عباس و سایه خدا معرفی کرد تا بتواند با استفاده از ناسیونالیسم و مذهب موقعیت طبقاتی خود و هم طبقه هایش را استحکام ببخشد.

از نظر روشنفکران جهان سومی و متفکرین طبقات حاکم ظاهراً این تحلیل از اوضاع غیر علمی و اتکا به مذهب و ناسیونالیسم عین علم است. گویا موقعیت مادی و اقتصادی طبقات نقشی در تعیین جایگاه انسان ندارد، از نظر اینها طبقات نباید وارد تحلیل شود زیرا غیر علمی است. نباید کسی به آن فکر کند باید به ملیت و قومیت و مذاهب چسبید. " هویت انسان از نظر اینها نه اصالت انسان بودنش بلکه ملیت، زبان و مذهب باید محور باشد. اقتصاد مال خراست"

گفته معروف خمینی است. اما خود اولین کسی بود که برای بدست آوردن و تحکیم همین موقعیت اقتصادی سرمایه داران مورد حمایتش، قتل

عام راه انداخت.

خاوران و لعنت آبادها را بنیاد نهادند و همه اینها به تثبیت احکام الهی کمک کردند. احکامی که هم اکنون برای اجرا و عملی کردن و پیشبردن آن احمدی نژاد را با نور دور سرش به قدرت رسانده است. وزیرتفت مجری همین احکام چهارمین راسش امروز به مجلس مدافعین اسلام و ناسیونالیسم معرفی شد. آقای امین آوه از این سیاست و ایدئولوژی دفاع میکنند. اما شیدانه تلاش میکنند آنها را علمی قلمداد کند که گویا چپها و کمونیستها به ناحق از کارگر، پرولتاریا و تضاد این طبقه با سرمایه داری حرف میزنند. از نظر اینها این تحلیلها افراطی و ذهنی است. اما تفرقه قومی و ملی و تراشیدن هویت برای انسان بر مبنای آنها بار مثبت دارد و به عنوان امری علمی قلمداد میشود.

البته در دنیایی که شاهان سایه خدا و امام زمان امضا کننده لیست وحوش مجلس اسلامی میشود، در دنیایی که بوش با مسیح مناجات میکند و حکم قتل عام مردم را از او میگیرد و طالبانی در سلیمانیه حسینیه میسازد و سرباز فداکار بوش میشود و رهبر کردها خطابش میکنند. در دنیایی که بن لادن پیام آور نجات مسلمین میشود و بارزانی با افتخار اعلام میکند که بوش و بلر نجات دهند مردم کردستان و عراق هستند. نباید تعجب کرد که طبله های مدارس ناسیونالیسم کرد، قومپرستی و ناسیونالیست بودن خود را با افتخار، "علمی" قلمداد کنند.

اما بشر متمدن در مقابل این جنگل ساخته شده دست قاتلین و توجیه کنندگان حاکمین دنیای امروز، صف مدرن و انسانی خود را دارد. صف مدافعین کودک، صف مدافعین برابری زن و مرد و صف مدافعین بچه های خیابانی و صف کارگران آگاه و ضد مناسبات سرمایه داری حاکم، صف میلیونها انسان متتنفر از قومپرستی و ناسیونالیستی و مذهبی در مقابل این توحش ایستاده است. ناسیونالیستها و قومپرستان و قلم بدستانشان که پرچم تفرقه و پاکسازیهای قومی و مذهبی را بدست دارند، پرچم رهایی انسان و

کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی و . . .



حسن صالحی

دلیل عضویت ایران در سازمان موظف است که ILO جهانی کار حق آزادی تشکل و بنابراین حق آزادی سازماندهی را رعایت کند. بر مبنای این اصول، کارگران حق دارند که در مراسم مسالمت آمیز اول ماه مه شرکت کنند و با سازمانهای ICFTU همکاری کنند. همزمان با این، آی سی اف تی یو با ارسال نامه ای به دبیر کل سازمان جهانی کار از وی خواست که با دولت ایران تماس بگیرد و در جهت لغو احکام صادر شده دخالت کند. روز ۱۴ نوامبر پس از تعیین احکام مجازات برای محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبیدی پور (هر کدام ۲ سال زندان) این کنفدراسیون نامه دیگری به احمدی نژاد نوشت و اعلام داشت: " این احکام نشان می دهد که دولت شما حقوق پایه ای کارگران همچون حق آزادی تشکل را به کلی مایل ICFTU نادیده می گیرد. است بار دیگر تکرار کند که کمیته در سازمان (CFA) آزادی تشکل (جهانی کار، ای ال او، به دولت شما تذکر داده است که اتهامات نسبت داده شده به هفت رهبر کارگری در مورد مراسم اول ماه مه سقز در سال ۲۰۰۴ را لغو کند. ما مصرانه از شما میخواهیم که تمام اقدامات لازم را برای تضمین لغو فوری احکام صادره علیه محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبیدی پور و نیز لغو اتهامات صادره علیه برهان دیوارگر در مورد دستگیری ایشان در ۷ اوت ۲۰۰۵ انجام دهید." با واکنش اعتراضی کنفدراسیون اتحادیه های آزاد که در گزارش سالانه خود نیز جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یکی از خطرناکترین کشورهای دنیا برای فعالین کارگری اعلام کرده بود، کمپین حمایت از فعالین محکوم شده شتاب جدیدی بخود گرفت. بدنبال تلاشهای فعالین واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران و برخی سازمانهای سیاسی دیگر تا کنون شمار قابل توجهی از اتحادیه های کارگری در نروژ، آلمان، استرالیا، کانادا، فنلاند، سوئد، اسپانیا و ایتالیا به این کمپین پاسخ مثبت داده اند و از کارگران ایران به

حمایت برخاسته اند. در نروژ اتحادیه سراسری کارگران نروژ، ال او، با ۸۳۰ هزار عضو در نامه ای به تاریخ ۱۶ نوامبر برای احمدی نژاد ارسال کرد نسبت به صدور احکام زندان برای فعالین کارگری شدیداً اعتراض کرد و این را نشانه ای از پایمال کردن حقوق پایه ای کارگران ایران از سوی جمهوری اسلامی دانست. در آلمان روز ۲۱ نوامبر اتحادیه فلزکاران آلمان با حدود ۲ میلیون و پانصد هزار عضو با نوشتن يك نامه به احمدی نژاد محاکمه و محکومیت فعالین اول ماه مه سقز را مورد اعتراض شدید قرار داد. همین اتحادیه به تاریخ ۱۷ نوامبر رفتار خشونت آمیز جمهوری اسلامی علیه کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج را محکوم کرد. در آلمان همچنین شاخه کارگری حزب چپ آلمان به تاریخ ۲۱ نوامبر در يك نامه اعتراضی به احمدی نژاد حمایت خود را از فعالین کارگری محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، محمد عبیدی پور و برهان دیوارگر اعلام داشت و خواهان لغو فوری احکام زندان و تبعید آنها شد. در فنلاند تعدادی از اتحادیه های کارگری این کشور جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق پایه ای کارگران ایران و صدور احکام مجازات علیه فعالین اول ماه مه سقز شدیداً محکوم کردند. اسامی این اتحادیه ها بدین قرار است: اتحادیه سراسری کارگران فنلاند، اتحادیه کارگران ساختمانی، اتحادیه پتروشیمی، اتحادیه متال و اتحادیه کارگران شهرداریها و خدمات دولتی، اتحادیه کارگران مواد غذایی و بالاخره اتحاد چپ فنلاند. در استرالیا نیز تا کنون چندین اتحادیه در ارتباط به احکام صادر شده علیه فعالین اول ماه مه سقز از خود واکنش نشان داده اند. اتحادیه بنادر و کشتیرانی، اتحادیه کارگران مونتاز و اتحادیه صنعت اتوبوس و تراموا. نامه دبیر اتحادیه بنادر و کشتیرانی استرالیا به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور یکی از شدید اللحن ترین نامه هایی است که تا کنون از سوی اتحادیه های کارگری

کارگران است که بدون مزاحمت نیروهای دولتی و یا امنیتی، در جشن روز جهانی کارگر شرکت کنند. کارگران اتومبیل سازی کانادا لوکال ۱۹۹ نیز طی يك نامه به احمدی نژاد خواهان لغوی قید و شرط همه احکام صادر شده علیه کارگران و فعالین اول ماه مه سقز شد. در سوئد سازمان سراسری کارگران با نزدیک به ۲ (LO سوئد) میلیون عضو قویا نسبت به احکام صادر شده علیه فعالین اول ماه مه سقز اعتراض کرد. در این نامه که روز ۲۲ نوامبر و خطاب به احمدی نژاد نوشته شده و رونوشت آن به وزارت امور خارجه سوئد نیز ارسال گردیده خواسته شده است که از فعالین نامبرده فوراً رفع اتهام شود و جمهوری اسلامی به حقوق پایه ای کارگران ایران احترام بگذارد. از سوی دیگر روزنامه جنوب سوئد گزارشی از جریان صادر شدن احکام زندان و تبعید بر علیه فعالین اول ماه مه سقز توسط جمهوری اسلامی و همچنین کمپین جهانی برای لغو این احکام انتشار داده است. در این گزارش از جمله می خوانیم: "خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از همه اتحادیه های کارگری، سازمانهای مدافع حقوق بشر و احزاب سیاسی خواسته است که حملات جمهوری اسلامی به حقوق پایه ای کارگران ایران را محکوم کنند. احمدی نژاد رئیس جمهور ایران تاکنون از سوی اتحادیه و LO سراسری کارگران نروژ ((همچنین شاخه کارگری حزب چپ نامه های (PDS آلمان) اعتراضی دریافت کرده است. فشارهای خارجی پیش از این بر روی رژیم ایران موثر واقع شده است. محمود صالحی که اکنون به ۵ سال زندان محکوم گردیده در سال ۲۰۰۰ بدنبال يك کمپین وسیع جهانی که سازمان سراسری کارگران سوئد نیز آن را همراهی می کرد، توانست از زندان آزاد گردد. همچنین سندیکالیست ها در شهر وستروس سوئد يك بیانیه همبستگی با کارگران ایران صادر کردند و

بدنبال صدور احکام زندان و تبعید از سوی دادگاههای اسلامی حکومت علیه فعالین اول ماه مه سقز (سال ۲۰۰۴) کمپینی در دفاع از این کارگران و برای لغو احکام محکومیت آنها در ایران و در سطح جهان شروع شد که همچنان ادامه دارد. یکی از سازماندهندگان این کمپین حزب کمونیست کارگری ایران است. خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب در نامه ای به همه سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان از آنها خواست که جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران در ایران محکوم کنند و خواهان لغو فوری و بی قید و شرط محکومیت فعالین اول ماه مه سقز شوند. وی همچنین در نامه خود تاکید کرد که برگزاری اول ماه مه، اعتصاب و اعتراض حق پایه ای و بی چون و چرای کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. او همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به حمایت از این حقوق پایه ای فراخواند.

پس از آنکه در تاریخ ۱۸ آبانماه ۱۳۸۴ (۹ نوامبر ۲۰۰۵) اولین احکام مجازات علیه محمود صالحی و جلال حسینی صادر شد (محمود صالحی به ۵ سال سال زندان و سه سال تبعید به شهر قروه و همچنین جلال حسینی به سه سال زندان محکوم شدند) کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری که ۱۴۵ میلیون (ICFTU) کارگر عضو دارد با ارسال نامه شدیدالحنی به احمد نژاد انتزاع خود از صدور این احکام را ابراز داشت و خواهان لغو فوری آنها شد. در این نامه به جمهوری اسلامی گوشزد می شود که " دولت شما به

پویا ابراهیم آبادی در بازداشتگاه کشته شد

پویا ابراهیم آبادی يك جوان سنندجی بود که روز یکشنبه گذشته ۱۳ آذر ماه در میدان اقبال این شهر بوسیله نیروهای انتظامی دستگیر کردند. او را در کلابتری ۱۳ در شهر سنندج زیر شکنجه بردند.

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان بعد از بازداشت این جوان مامورین دولتی تا ساعت ۳ بامداد دوشنبه او را شکنجه کرده اند.

صبح روز دو شنبه ۱۴ آذر جنازه این جوان را به بیمارستان بعثت سنندج منتقل کردند و از پزشک قانونی تاییدی گرفتند که این جوان بر اثر خفگی جان باخته است. فرمانده نیروهای انتظامی سنندج به خبرگزاریها گفته است که ابراهیم آبادی بوسیله بند کفش خودش را

حلق آویز کرده است.

در زندان، بیمارستان و شهر سنندج همه مردم میگویند این جوان را زیر شکنجه کشته اند. به هر حال مرگ این جوان چه زیر شکنجه و چه بوسیله خودکشی هر دو مسولیتش به گردن نیروهای دولتی است. قاتلین باید به دلیل این جنایت جواگو باشند. در يك شرایط خاصی این قتل اتفاق افتاده است. این جوان روز قبل در خیابان بوده و زندگی عادی را میکرده است. شکنجه و ترس از شکنجه هر کدام این جوان را کشته است در ماهیت موضوع تفاوتی ایجاد نمیکنند. بحث به سادگی این است که مقامات دولتی در سنندج و فرمانده نیروهای انتظامی باید حداقل به عنوان قاتل

این جوان به محاکمه کشیده شود. قاتل و مقتول معلوم هستند آنچه در این جامعه مانع از روشن شدن حقایق است وجود يك دولت سرکوبگر و رهبر کل قاتلین است. این جانیان را باید به زیر کشید.

مردم سنندج، جوانان، آزادیخواهان خانواده پویا ابراهیم آبادی!

حاکمان اسلامی و نمایندگان خدا بر روی زمین باز هم قتل و جنایت دیگر آفرینند. يك جوان دیگر در شهر سنندج قربانی این جانیان اسلام و خدا شد. پویا ابراهیم آبادی جوان سنندجی در مدت زمانی کمتر از ۱۲ ساعت زیر شکنجه کشته شد. این جنایت نباید بی جواب بماند. جانیان باید معرفی و محاکمه

شوند. نیروهای انتظامی گفته اند قصد دارند که از مردم محل سکونت این جوان معذرت خواهی کنند. این جانیان نه تنها این کار را نکرده اند بلکه اتهام حمل مواد مخدر را هم به این جوان افزوده اند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن اعلام همدردی با شما عزیزان بویژه خانواده پویا، این جنایت هولناک را محکوم میکند. همه شما را فرا میخواند که با اعتراض به این جنایت خواهان معرفی و محاکمه قاتلین پویا شوید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۸۴
۶ دسامبر ۲۰۰۵

از صفحه ۴

قبحات يك "روشنگر" ناسیونالیست

بازگرداندن اختیار به انسان را در مقابل خود میبینند.

تمام قلم بدستان توجیه گر مناسبات حاکم جامعه نگرانشان از همین است که این صف طویل و میلیونی حرکت برای رهایی را با روشن بینی بیش از پیش ادامه میدهد. تنفرشان از چپ و کمونیسم از اینجا ناشی میشود که آنها این صف انسانیت و اتکا به انسان بودن و رهایی انسان اجتماعی را در

مقابل ملیت، مذهب و قومپرستی قرار داده اند. در راس این صف پرچمدارانی به میدان آمده اند که تمام محاسبات آنها را میتوان به هم بریزند. این اتفاقی نیست، که تنفر خمینی، بن لادن، بوش و احمدی نژاد و خامنه ای، به همان شدت علیه چپ و کمونیسم بیان میشود که تنفر هیتلر، موسولینی و سایر فاشیستها و دیکتاتورها علیه چپ، کمونیست و انسانیت بیان شده است.

این اتفاقی نیست که طالبانی، بارزانی و بهادین ادب به همان اندازه از چپ و کمونیسم هراس دارند که بوش و بن لادن و احمدی نژاد. این شیخ که همه این صف مدافعین نظام موجود و فرهنگ تفرقه و ضد انسانی را در مقابل خود متحد کرده است چند سال قبل اعلام کردند که مرده است. همه شنیدیم و دیدیم که گفتند کمونیسم مرد. اکنون همانهایی که خبر مرگ کمونیسم و

عدالتخواهی و انسانیت را جار کشیدند، اکنون از شیخ آن به هراس افتاده اند.

شیخ کمونیسم به نقل از نشریه شیبگل، در فضای آلمان در گشت و گذار است. هراس صف ارتجاع و مدافعین نظم موجود در ایران هم از این شیخ بر فراز جامعه ایران است

۱۵ آذر ۱۳۸۴

از صفحه ۵

کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی و . . .

خواستار لغو احکام غیر عادلانه بیدارگاههای جمهوری اسلامی علیه فعالین اول ماه مه سقر شدند. در اسپانیا و ایتالیا شماری از اتحادیه ها و فعالین کارگری با امضای يك نامه اعتراضی نارضایتی شدید خود را نسبت به صدور احکام محکومیت فعالین اول ماه مه سقر ابراز داشتند و خواستار لغو فوری این احکام شدند. کمپین علیه سرکوب کارگران و فعالین کارگری نه فقط در عرصه بین المللی بلکه در داخل کشور نیز در جریان بوده است. چهار نفر از محکومین اول مه سقر، محمود صالحی، محمد عبیدی پور، جلال

حسینی و محسن حکیمی با صدور بیانییه ای پیشنهاد کردند که کمیته ای بنام "کمیته دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه سقر" برای سازماندهی اعتراض به احکام ناعادلانه و غیر قابل توجیه زندان و تبعید تشکیل شود. همچنین همسران این فعالین، عایشه جهانپور، نجیبه صالح زاده، لطیفه قیطاسی و منیژه گازرانی طی بیانییه ای خواستار پیوستن کارگران و مردم شریف و آزاده به این کمیته شدند. "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران" نیز با صدور يك اطلاعیه اعلام داشت که: "ما این اقدامات را در راستای تحمیل بی

حقوقی هر چه بیشتر بر طبقه کارگر میدانیم و از همه کارگران و فعالین کارگری میخواهیم تا یکصدا و متحدانه خواهان لغو فوری این احکام و تیرته بی قید و شرط همه دستگیر شده گان مراسم اول مه در شهر سقر شوند." جمعی از کارگران ایران خودرو نیز با صدور اطلاعیه ای به نشانه همبستگی احکام صادره علیه فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغو فوری آنها شدند. از سوی دیگر انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ضمن تاکید بر احقاق کلیه حقوق از دست رفته طبقه کارگر ایران، بازداشت و اذیت و آزار فعالین

بصورت جمعی و گروهی به ابراز همبستگی با فعالین اول مه سقر پرداخته و صدور احکام بر علیه آنها را محکوم کرده اند. همچنین در اعتراضات اخیر دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر چنین خواستی مطرح گردید.

کمپین برای لغو احکام فعالین اول ماه مه سقر اکنون هر چه بیشتر با استقبال گرم و پرشور سازمانهای کارگری جهان روبروست. این کمپین جهانی ادامه دارد و تداوم پر قدرت آن يك موفقیت بزرگ برای کارگران ایران و همبستگی بین المللی کارگری در سطح جهان است.

راديو انترناسيونال

۹ هر شب

۲۱ متر برابر با

۷۴۹۰ كيلو هرتز

تلویزیون

کانال جدید

۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608MHz

SymbolRate:19279

FEC:2/3

Polarization:
Horizontal